



۸۲

# سوسیالیسم امروز

۲۲ دی ۱۳۹۷ - ۱۲ ژانویه ۲۰۱۹

www.simroz.org

S\_zijji@yahoo.se

سرمدیه: سلام زیجی

## پدیده تروریسم و راهای مقابله با آن

صفحه ۱۲

## رجز خوانی رئیس دادگستری خراسان رضوی

صفحه ۷

## تریبون اصلاحطلبی، تریبون ضد مردمی

صفحه ۱۰

## برنامه "شفاف سازی" بودجه سال ۱۳۹۸ کشور!

صفحه ۳

## چند خبر و گزارش مهم کارگری در هفته‌ای که گذشت!

صفحه ۹

## دفاع از اسماعیل بخشی، دفاع از انسانیت و دفاع از یک طبقه است!

اسماعیل بخشی از فعالان کارگری، و نماینده شورای مستقل کارگری کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه بعد از تحمل بیست و پنج روز شکنجه و زندان، بلاخره از زندان رهایی یافت و بدین شیوه مزدوران جمهوری اسلامی نتوانستند ذره‌ای از اراده و توانایی و دفاع از منزلت و حرمت انسانی او باز دارند. اسماعیل بخشی، آنطوری که شایسته یک کارگر آگاه به منفعات طبقاتی خود است، چه قبل از زندان، چه در زندان و زیر شکنجه، چه بعد از زندان، به عنوان یک کارگر دلسوز و جسور و رزمنده در مقابل سرمایه داران و دولت شان ایستاد، و امروز نیز در قامت یک رهبر کارگری و یک زندانی مدعی از نظام شکنجه جمهوری اسلامی خواسته تا در ملا عام و با شرکت در یک مناظره تلویزیونی در این باره پاسخگو باشند.

نفس این اقدام و درخواست، مستقل از عملی شدن و یا نشدن آن، حرمت و قدرت کارگران را بیش از پیش ارتقا داد و پوزه کثیف رژیم اسلامی سرمایه داران را بیشتر به زمین مالید. بدین ترتیب اقدام کنونی اسماعیل بخشی همانند دوره اعتصابات شکوهمند، به حق از یکسوی با موجی از پشتیبانی از خود و دیگر کارگران مواجه شده است، و از سوی دیگر عاملی بوده که منجر به تحرک گسترده اعتراض و انزجار عمومی علیه شکنجه در زندانها و نظام شکنجه جمهوری اسلامی شده است.

صفحه ۲

## تهران: یک سوسیالیست،

## یک اسلامی و یک شونیست

## در یک تاکسی

صفحه ۸

## به روایت تصویر: چند رویداد مهم

## در هفته‌ی که گذشت

صفحه ۱۱

## از رسانه های دیگر:

- اسماعیل بخشی: به مردم دروغ نگویند!

- متن نامه سپیده قلیان

- زندان اوین از گلرخ ابراهیمی

- حمایت شوراهای صنفی دانشجویان ...

- متحدانه و سراسری علیه شکنجه

بازداشت شدگان برای اعتراف گیری

اعتراض کنیم (انجمن برق و فلزکار کرمانشاه)



↑ در خطاب به مقامات فاسد و دزد و سرمایه داران حاکم اسلامی

کارگران جهان متحد شوید!

دفاع از اسماعیل بخشی، ...



نامه افشاگرانه اسماعیل بخشی جمهوری اسلامی را به هذیان گوئی واداشت. طوری که در "بالاتریه مقامات"، یعنی جانی ترین و آدمکش ترین مقامات و ارگانه‌های نظام به صف شدن تا با دروغ و تناقض گوئی نظامشان را، که با شکنجه و سرکوب و حق خوری طبقه کارگر سر پا نگاهداشته اند، بطور عوامفریبانه و مذبوه‌انه ای "تبرئه" نمایند! اما این

تبرئه کردن نبود، اضافه کردن یک جرم بزرگ دیگر به جرائم بیشمار نظام اسلامی و ضد کارگری و تک تک مسئولین این حکومت بود که دیر یا زود حساب همه این جنایات را باید پس بدهند! عکس العمل آنها، پاسخ و عکس العمل ترس و وحشت نظامی بود از بیدار شدن خول خفته قدرت یک طبقه و جنبش طبقاتی عظیمی که امثال بخشی و رویدادهای هفت تپه و فولاد تنها گوشه کوچکی از چنین قدرتی را تا کنون نمایندگی نموده اند و سرمایه داران و دولت اسلامی را با "خطر" روبرو کردند.

حزب سوسیالیست انقلابی ایران همچنان با تمام قدرت از اسماعیل بخشی و دیگر کارگران مبارز در هفت تپه و فولاد اهواز حمایت میکند و از نامه افشاگرانه و شجاعانه اخیر او نیز تقدیر می نماید! حزب، کلیه ادعاها و پیرونده سازیهایی شناخته شده رژیم اسلامی را محکوم و فاقد اعتبار برای کارگران و مردم آزادیخواه میدانند. ما ضمن شرکت و ضروری دانستن گسترش اعتراضات علیه اعمال شکنجه زندانیان، در این مورد مشخص خواهان دخالت و رسیدگی بین المللی نهادهای کارگری به جنایتی هستیم که علیه بخشی و قلیان و دیگر کارگران بازداشتی دوره اخیر صورت گرفته است.

حزب سوسیالیست انقلابی ضمن حمایت از کمپین های حمایتی و اعتراض در شکل طومار نویسی و فعالیت در نئیای مجازی، تاکید میکند که مبارزه زمینی و واقعی برای به زانو در آوردن جمهوری سرمایه داری اسلامی همان بستر و میدانی است که دیروز کارگران هفت تپه ی ها و فولاد اهوازیها متحدانه به نمایش گذاشتند، که متأسفانه با حمایت جدی بقیه طبقه ما و جامعه، انطوری که ضروری بود، مواجه نشد. از اینرو ما طبقه کارگر ایران را به اعتصاب و اعتراض متحد علیه شکنجه اسماعیل بخشی و دیگر کارگران بازداشتی و برای آزادی فوری کلیه فعالین کارگری، و علیه نظام ضد کارگری بورژوائی جمهوری اسلامی فرامیخوانیم!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد اتحاد و همبستگی طبقه کارگر!

زنده باد سوسیالیسم!

حزب سوسیالیست انقلابی ایران

Iransocialist2017@gmail.com

۲۱ دی ۱۳۹۷

۱۱ ژانویه ۲۰۱۹

ضروری است که حول مهمترین شعارها و مطالباتی که ماهیت، هویت و هدف مبارزه انقلابی طبقه کارگر، جنبش آزادیخواهانه زنان، جوانان، فرهنگیان و کارکنان مترقی، دانشجویان و دانش آموزان چپ و سوسیالیست و توده های گسترده زحمتکشان جامعه را نمایندگی میکند متحدانه به میدان آمد و در سراسر کشور آنها را بخش و باز تکثیر نمود، اهم آنها عبارتند از:

**"زندانیان سیاسی آزاد باید گردند"**، **"آزادی برابری حکومت کارگری"**،

**"زنده باد برابری زن و مرد"**، **"نه به اعدام، شلاق، زندان و سرکوب"**،

**"نه به فقر و فساد و استثمار"**، **"نه به نیروی های مسلح حرفه ای و**

**ضد مردمی ارتش و سپاه و بسیج و اطلاعات و غیره"**، **"نه به**

**جمهوری اسلامی، نه به قلدری امریکا، نه به تحریم اقتصادی"**، **نه**

**قومی نه اسلامی نه فدرالی نه سلطنتی، مرگ بر جمهوری اسلامی"**،

**"دست مذهب از زندگی مردم، دولت و آموزش و پرورش کوتاه!"**،

**"آزادی بدون قید و شرط فعالیت سیاسی و تشکل و حزب"**، **"آزادی**

**بدون قید و شرط ایجاد تشکلهای کارگری مستقل از دولت"**،

**"پرداخت فوری دستمزد بالای زبر خط فقر به کارگران و مزد بگیران"**

**"ممنوع شدن اخراج و بیکار سازی کارگران و مجرم دانستن عدم**

**پرداخت به موقع دستمزد به کارگران"**، **"ممنوع بودن هر شکلی از کار**

**کودکان"**، **"پرداخت بیمه بیکاری فوری برای همه افراد بیکار شده و**

**آماده بکار"**، **"زنده باد آزادی، برابری، رفاه و امنیت"**، **"زنده باد**

**جمهوری سوسیالیستی، مرگ بر جمهوری اسلامی"** **"زنده باد حزب**

**سوسیالیست انقلابی ایران"**، **"مرگ بر سرمایه داری"**، **"زنده باد**

سوسیالیسم"، ...

**کارگران، زنان، جوانان، مردم مبارز و تشنه آزادی و برابری!**

برای رسیدن به اهداف خود به صف

کارگران و سوسیالیستها، و به حزب

سوسیالیست انقلابی ایران بپیوندید!

این حزب، حزب شما است! حزب

سوسیالیست انقلابی را به جامعه

معرفی کنید و در حمایت از آن در

شکل محافل و دستجات مختلف خود

را سازمان بدهید، خود را با رهبری

حزب هماهنگ کنید، و بطور منظم

با ما در تماس باشید iransocialist2017@gmail.com.

**آزادی، برابری، حکومت کارگری!**

## برنامه "شفاف سازی" شده بودجه سال ۱۳۹۸ کشور!

### آذر کیمیا

به بخشهای مهم این "بودجه بندی شفاف" سال آینده حکومت اسلامی نگاهی به اندازید تا آنچه که گفته شد بهتر متوجه گردیم:

سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری

۲۶۰ میلیارد تومان (صفحه ۱۷۴) وزارت جهاد کشاورزی

۱۶۷ میلیارد تومان (صفحه ۵۶۹) وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

۱۶۲ میلیارد تومان (صفحه ۵۸۶) سازمان اورژانس

۱۵۰ میلیارد تومان (صفحه ۵۲۸) سازمان بازرسی کل کشور

۱۲۸ میلیارد تومان جمعیت هلال احمر

۱۲۵ میلیارد تومان (صفحه ۵۳۵) وزارت صنعت، معدن و تعاون

۹۷ میلیارد تومان (صفحه ۵۹۳) وزارت راه و شهرسازی

۸۱ میلیارد تومان (صفحه ۵۷۸) سازمان محیط زیست

۵۷ میلیارد تومان (صفحه ۵۵۵) ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز

۴۲ میلیارد تومان (صفحه ۵۳) سازمان غذا و دارو

۳۳ میلیارد تومان (صفحه ۵۲۹) سازمان امور شهرداری ها و دهیاری های کل کشور

۲۱ میلیارد تومان (صفحه ۴۲) برنامه تامین دارو

۱۶ میلیارد تومان (صفحه ۵۳۰) سازمان امور دانشجویان

۱۱ میلیارد تومان (صفحه ۱۷۱) سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور  
۱۱ میلیارد تومان (صفحه ۵۱۷)

نزدیک به چهار دهه از حکومت ننگین جمهوری اسلامی بر ایران می گذرد. در این چهار دهه حکومت وقایع فجیع و هولناک مانند کشتار هزاران زندان سیاسی یا جنگ و کشته و معلول شدن صدها هزار ایرانی و صدها هزار اعدامی و کشتار و زندانی سیاسی در کشور را تجربه کرده ایم. امروز نیز اقتصاد کشور سقوط کرده، فقر و گرانی بیداد می کند، بیکاری بیداد می کند، و هر روز به صف بیکاران اضافه می شود، فساد مالی مانند سرطان همه ی جامعه را فرا گرفته است، و در رأس این فساد رهبر قرار دارد، که علاوه بر تسلط بر همه شریان های اقتصادی کشور به تنهایی صاحب اختیار میلیارد ها دلار و سرمایه است، سرمایه ای که هیچ نهادی بر آن نظارت ندارد. رهبر اسلامپها و غیر اسلامپهای هیچ کشوری در جهان چنین ثروتی در اختیار ندارد. بسیاری از صنایع کشور از جمله صنایع برق و خودرو سازی و چای و گاز و بیمه ورشکسته شده اند. میلیونها کودک به علت مشکلات اقتصادی و اجتماعی از تحصیل محرومند، وضعیت دارو و درمان اسفناک است، و بسیاری از خانواده ها برای تامین هزینه های یک جراحی برای همیشه به زیر خط فقر سقوط می کنند، استفاده از تجهیزات پزشکی غیر استاندارد در بخش های ضد عفونی بیمارستان های ایران سالیانه چندین هزار قربانی می گیرد، و بلاخره لیست معضلات بیشمار دیگر...

آمارهای زیر خود گواه بر دو واقعیت جاری در جامعه ما دارد: جمهوری ضد انسانی جمهوری اسلامی نه تنها هیچ اهمیتی به معیشت و زندگی اقتصادی کارگران و مردم زحمتکش نمیدهد، نه فقط حتی نهاد های دولتی که به نوعی به جامعه و رسیدگی به شهروندان مربوط است اهمیتی نداده است، برعکس، در این دوره و به دلیل بحرانها و وحشتش از اعتراضات های که با آن مواجه است تصمیم گرفته که از یکسو بیش از پیش به فلاکت اقتصادی اکثریت مردم به افزایش، تا بتواند با تقویت کل نیروهای سرکوب و مذهبی و تبلیغاتی و در پیش گرفتن رویکرد هر چه بیشتر سیاست فریب و سرکوب حاکمیتش را از بحرانی که دامنگیرش شده است عبور بدهد. هیچ راهی هم جز مقابله سراسری همه شهروندان که زیر خط فقر زندگی میکنند، همه کارگران و زحمتکشان علیه وضع موجود باقی نمانده است!

چرا بیشتر بودجه کشور صرف حوزه علمیه و طلاب و روحانیون می شود. در جمهوری اسلامی صنف روحانی بر کلیت دولت ایران حاکم شده است. حقوق مردم در حاشیه و در ذیل اصل "ولایت فقیه" است قانون اساسی و ساختار جمهوری اسلامی به گونه ای است که هر گونه اصلاح اساسی در آن ناممکن است. هر اصلاح اساسی و بنیادین در جمهوری شیدان به فرو پاشی ساختار آن می انجامد. بودجه کشور با حکومت نرمال اصولا به مسائلی اختصاص میابد که مشکل معیشتی مردم و رفاه و پیشرفت کشور و شهروندان باشد. اشتغال جوانان، گرانی و رفع گرانی نیازهای اولیه و ضروری مردم است. نهاد دهایی که پول مردم را می گیرند و بر علیه مردم کار می کنند که سودی برای مردم و نه برای کشور دارند می بایست حذف شوند، مانند سازمان تبلیغات اسلامی و یا جامعه المصطفی و یا همین حوزه های علمیه که بودجه خدمات برابر با بودجه وزارت رفاه میباشد. بودجه سازمان تبلیغات اسلامی قطع شود، بودجه مربوط به افراد خاص و ارگان هایی که هیچ نقشی در خدمات مردم ندارند حذف شود. بودجه هایی که برای نهاد های بی خاصیت که فقط پولش تو جیب مقامات می رود مثل بنیاد حوزه های علمیه که فقط جنبه سود جویی شخصی دارند و تا به حال هیچ فایده ای برای کشور نداشته اند باید هزینه هایی که صرف جشن های "پیروزی انقلاب" که هر ساله تعداد زیادی از افراد بی خاصیت به همراه خانواده را به کشور میارن و چند روز از پول این مردم خرج اونا می کنند. کسی نباید حقوقهای نجومی را از بخش دولتی دریافت کند. بودجه باید طوری برنامه نویسی شود که حقوق بگیران توان زندگی را داشته باشند اینکه میگن سوخت در دنیا فلان قیمت داره ولی نمی گن که کمترین در آمد کار مندان و کارگران در دنیا کمتر از هزار دلار نمی باشد. چه میزان می توان بیکاری جوانان، تلفات جاده ای، ترافیک آلودگی، فقر مردم، در برابر هزینه های بهداشت و درمان را بهبود بخشید.

← ادامه

**نه به تحریم اقتصادی، نه به امریکا، نه به جمهوری اسلامی،!**

برنامه "شفاف سازی" شده بودجه ...

### حال مراکز اوباشان رژیم:

مرکز خدمات حوزه علمیه (خدمات به روحانیون و طلاب!)  
۶۰۰ میلیارد تومان\_ صفحه ۱۹۶

شورای عالی حوزه های علمیه  
۴۴۰ میلیارد تومان\_ صفحه ۱۸۴

جامعه المصطفی العالمیه  
۳۰۰ میلیارد تومان\_ صفحه ۲۰۱

حق بیمه طلاب و روحانیون غیرشاغل  
۲۹۶ میلیارد تومان\_ صفحه ۱۹۶

شورای سیاست گذاری حوزه علمیه خواهران  
۲۵۸ میلیارد تومان\_ صفحه ۲۰۱

نهاد رهبری در دانشگاه ها  
۱۲۹ میلیارد تومان\_ صفحه ۱۶۷

شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی  
۴۷ میلیارد تومان\_ صفحه ۱۸۴

مجمع جهانی اهل بیت  
۴۷ میلیارد تومان\_ صفحه ۱۸۹

صندوق توسعه فرهنگ قرآنی  
۴۰ میلیارد تومان\_ صفحه ۱۵۷

مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی  
۳۷ میلیارد تومان

نشر آثار امام خمینی  
۲۶ میلیارد تومان\_ صفحه ۱۹۴

راهیان نور  
۲۲ میلیارد تومان\_ صفحه ۹۹

آستان مقدس امام خمینی  
۱۸ میلیارد تومان\_ صفحه ۱۹۶

ستاد اقامه نماز  
۱۸ میلیارد تومان\_ صفحه ۲۰۰

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی  
۱۶ میلیارد تومان\_ صفحه ۲۰۰

مراسم ارتحال امام  
۹ میلیارد تومان\_ صفحه ۱۹۶

و اما فقط چند نکته تکان دهنده در بودجه کشور به عنوان نمونه:

وقتی بودجه خدمات حوزه علمیه برابر است با مجموع بودجه ۴ وزارت خانه و ۳ سازمان بزرگ کشور (وزارت جهاد کشاورزی+ وزارت کار و رفاه+ وزارت صنعت و معدن + وزارت راه و شهرسازی + سازمان محیط زیست + سازمان شهرداری ها و دهیاری های کل کشور + سازمان امور دانشجویان!!! )

وقتی کل سهم سازمان غذا و دارو از بودجه سال ۹۷ تنها ۳۳ میلیارد

و حق بیمه طلاب و روحانیون غیرشاغل ۲۹۶ میلیارد است

یعنی ۹ برابر

وقتی کل سهم "سازمان امور دانشجویان" از

بودجه سال ۹۷

۱۱ میلیارد

ولی "مراسم ارتحال امام" ۹ میلیارد بودجه می گیرد!!!  
وقتی در کشور ایران "جامعه المصطفی العالمیه" ۲۴ میلیارد بیشتر از مجموع سهم های این وزارت خانه ها سهم میبرد:

وزارت کار و رفاه اجتماعی ۱۶۲ میلیارد

+وزارت راه و شهرسازی ۸۱ میلیارد+

وزارت سازمان غذا و دارو ۲۶ میلیارد

چه میزان می توان بیکاری جوانان+تلفات جاده ای، ترافیک، آلودگی+فقر مردم در برابر هزینه های بهداشت و درمان را بهبود بخشید؟

و عجیب تر اینکه بودجه "جامعه المصطفی"

بیشتر از بودجه وزارت کار و رفاه+ بودجه

وزارت راه و شهرسازی +بودجه سازمان غذا و

داروست

درخواست عضویت از حزب	
<b>فرم ویژه درخواست عضویت در حزب سوسیالیست انقلابی ایران ( )</b>	
نام :	
نام خانوادگی :	
محل سکونت :	
شغل :	
علل پیوستن به حزب :	
سابقه فعالیت سیاسی :	
در چه زمینه ای علاقمند به فعالیت هستید؟	
آیا کسی را در صفوف حزب می شناسید؟	
تلفن :	
ای میل :	
<p>اینجانب ..... با قبول برنامه، اساسنامه، سیاست و اهداف حزب سوسیالیست انقلابی ایران، از حزب درخواست عضویت می نمایم. متعهد میشوم که منظمًا به حزب حق عضویت پرداخت نموده و در راستای پیشبرد اهداف حزب بطور متشکل به فعالیت خود ادامه بدهم. به حراست از امنیت و موازین و پرنسیپهای حزب متعهد بوده و اعلام میکنم که در جهت سیاستهای حزب برای سرنگونی نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی و دستیابی به یک جامعه سوسیالیستی، آزاد، برابر و مرفه با تمام توان تلاش و مبارزه نمایم.</p> <p>امضا... تاریخ...</p>	
www.simroz.org	آدرس مایل ارسال درخواست عضویت
iransocialist2017@gmail.com	

آزادی، برابری، رفاه، امنیت!

## متن نامه سپیده قلیان:

سلام به همگی



دوشنبه که برای چندمین بار به ستاد خبری وزارت اطلاعات احضار شده بودم دو نفر که خود را مامور "بررسی" معرفی می‌کردند، ابتدا از من در مورد آنچه در سی روز بازداشت اتفاق افتاد سوال کردند و پس از

توضیحاتم با گفتن اینکه بحث‌ها من و اسماعیل بخشی در مورد شکنجه توهم است به بررسی‌شان پایان دادند. پس تصمیم گرفتم توضیحاتم را دیگر نه به ماموران، که رو به مردم شرح دهم. گفتن از شکنجه، فقط توضیح یک درد شخصی نیست بلکه بازگو کردن خسونت سیستماتیکی است که نهادهای امنیتی در قبال زندانیان به خرج می‌دهند و انکار یا تقلیل آن به اشتباه یک بازجو توجیهی خنده‌آور و البته دردی مضاعف است. یادآوری سی روز رفتار وحشیانه و ضدبشری هنوز هم می‌تواند چشم‌هایم را خیس کند و تنم را بلرزاند. حین دستگیری، اسماعیل بخشی سعی میکرد مرا از زیر ضرب و شتم ماموران بیرون بکشد اما خودش را چنان به باد کتک گرفتند که بیهوش شد.

شکنجه‌ی اسماعیل بخشی از زمان بازداشت در فرماندهی حفاظت اطلاعات، تا پلیس امنیت (که فریاد میزد من یک کارگرم دنده‌هایم را شکستی) و زمان انتقالمان از شوش به بازداشتگاه اطلاعات اهواز چنان شدید بود، که من ده روز نخست بازداشتم تصور میکردم برادرم مرده است.

ده روز نه میتوانستم غذا بخورم، نه میدانستم شب است یا روز؟ فریاد میکشیدم، تا اینکه از بی‌قراری‌ها و فریادهایم عاصی شدند و نزدیک اتاق بازجویی‌اش بردند و صدای زخمی‌اش را شنیدم. برادرم اسماعیل زنده بود.

روزهای اول، چه حین دستگیری و چه در بازداشتگاه با ضرب و شتم همراه بود. سایه‌ی کابل بالای سرم بود تا اعتراف بنویسم. به همین دلیل بود که بی‌آنکه حرفی از شکنجه با خانواده‌ام زده باشم متوجه غیرطبیعی بودن وضعیت‌ام شدم. و ای کاش و صدای کاش شکنجه به همان ضرب و شتم خلاصه می‌شد. وارد کردن اتهامات جنسی، در جایی که قطعاً حتی اگر فریاد می‌زدم صدایم به جایی نمی‌رسید، دردناکترین قسمت ماجرا بود. روز آخر بازجو می‌گفت اگر بیرون بروی و دهانت را باز کنی همین ادعاها و اعترافات اجباری تو و اسماعیل بخشی را در اخبار بیست و سی هم پخش خواهیم کرد. و پودرتان خواهیم کرد. بله خداوندگاران قدرت اگر من نمی‌دانستم که شما میتوانید ما را پودر کنید که روی این صندلی نشسته نبودم.

من حتی در مورد رنگ مو و مدل لباس‌هایم بازجویی و تحقیر شدم، بازجویی با شکم گرسنه از صبح تا چند ساعت پس از خاموشی، آیا شکنجه نیست؟ بازداشت پایان یافت اما شکنجه‌ها نه. شخصی که خود را نماینده‌ی وزارت اطلاعات شوش معرفی کرده، در میان پنج هزار کارگر نسبت‌های غیراخلاقی به من داده و این اتهام‌ها به گوش خانواده‌ام هم رسیده. تصور کنید در یک شهر کوچک، و در فرهنگی سنتی، صرفاً به میانجی آن ادعاها، در این روزهای به اصطلاح آزادی چه بر من گذشته و می‌گذرد... من در مرحله‌ی دستگیری شاهد ضرب و شتم وحشیانه‌ی اسماعیل بخشی بودم و در روزهای بازجویی شاهد تحقیر او. به شکلی که چند بار او را مجبور کردند در مقابل دیگران به خودش هتاکي کند. حاضرم چه در مورد خودم و چه در مورد برادرم اسماعیل بخشی، در دادگاهی عادلانه برای این شکنجه‌ها شهادت بدهم.

## طعم فریب را چشیدیم و به خانه‌هایمان کشانده شدیم؛

ما که درد را و فقر را و سقوط به قعر دره‌ی ارتجاع را و بیش از یک قرن استبداد را تاب آوردیم. ما که تازیانه خوردیم و ایستادیم. کشته دادیم و ماندیم. سفره‌های بی‌نان گشودیم و ادامه دادیم. بر گور قلم، سرود آزادی خواندیم و از پای ننشستیم و حال بر دیوار لرزان و پایه‌های ارتجاع می‌کوبیم تا لرزشی دوباره، تا عمیق‌تر شدن ترک‌های افتاده بر پیکر استبداد ایستاده‌ایم حتی اگر دشمنی زهر آگین دژخیم، پهلویمان را دریده قصد جان‌مان را کنند.

ایستاده‌ایم در کنار کارگرانی که حقوق معوقه‌شان مرز ماه و سال را درنوردیده است. ایستاده‌ایم با رانندگانی که هراسی از شاخ و شانه کشیدن‌های او که خود را قاضی‌القضات می‌خواند به دل راه نداده‌اند و مصرند بر احقاق حقوق پایمال شده‌شان ایستاده‌ایم با معلمان در بند که دانش‌آموزان‌شان مهر دیگری را بی آنان آغاز کرده‌اند.

با کولبران کردستان هدف گلوله‌ی کین قرار گرفتیم و با فعالان محیط زیست به آتش کشیده شدیم. با کودکان بلوچ در کپرها کلاس درس برپا نمودیم و دستان یخ زده‌مان را در تصور کانکس‌های وعده داده شده به مردم زلزله‌زده‌ی کرمانشاه گرم نمودیم.

با مسکن مهر آوار شدیم و با اندوخته‌های مالی کشور ته کشیدیم. با خوزستان ریه‌ها را از ریزگردها پر کردیم و با درویش تن به باتوم و سر به دار دادیم. با دهه‌ی شصت در دشت بی فرهنگی خود غوطه خوردیم و بر تن داریم هنوز ترکیه‌ی بیباد آن را. با قتل‌های زنجیره‌ای کارآجین شدیم و با قیام اعتراضی هشتاد و هشت طعم فریب را چشیدیم و به خانه‌هایمان کشانده شدیم. با اقلیت‌های مذهبی از حقوق شهروندی محروم ماندیم و گورستان‌هایمان زیر و رو شد و به بند کشیده شدیم و وادار به جلای وطن گردیدیم. با هزاران هموطن در دردی مشترک به تماشا نشستیم مصادره‌ی اموال هموطنانمان را.

با دختران شین‌آباد زجر کشیدیم و در اردوهای دانش‌آموزی دست و پای‌مان را از دست داده روانه‌ی بیمارستان و گورستان شدیم. در کوی دانشگاه قلع و قمع شدیم و ناپدید شدیم و به زنجیر کشیده شدیم. تاوان خالی بودن صندوق‌های ارزی کشور و به یغما رفتن بودجه و اقتصاد ورشکسته و صعود حیرت‌آور تورم افسار گسیخته و نوسانات بازار را به سیلی و سرخی گونه پرداختیم و در نمایش چند دقیقه‌ای رسانه‌ای، داستان کهنه و نخ‌ما را به تماشا نشستیم و با وعده‌ی اعدام قربانیان دست‌چین شده، بر این تراژدی تلخ و تکراری اندوهگین شدیم.

تاب آوردیم ناتوانی و عدم مدیریتی فاحش را که ختم شد به فقر و خفقان و بدنامی بین‌المللی و سرافکندگی و رسوایی و تنزل‌مان داد به پایین‌ترین رتبه‌های سر بلندی و نائل‌مان نمود به اوج قله‌های فساد و فحشا و فقر فرهنگی. تاب آوردیم جا ماندن لنگه‌های سفاهت را بر دیوار سفارت این کشور و آن کشور که حال به تلنگری‌شان دچار بحران می‌گردیم. به نام تروریست و منافق و داعشی و لامذهب سر به دار شدیم و تقفیش عقاید شدیم و محروم از حق تحصیل.

اما همچنان پیگیر ماندیم بر خواسته‌های برحق‌مان - تا آزاد شدن فعالیت احزاب، اصناف و اتحادیه‌ها - تا توقف اعدام - تا آزادی تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی - تا شکسته شدن فضای انحصاری رسانه‌ها - تا برچیده شدن دادگاه‌های فرمایشی و پایان دادن به خفقان و فضای امنیتی حاکم بر جامعه - و تا توقف خصوصی‌سازی‌ها و بازگرداندن اموال فرودستان از جیب‌های غیر بر سر سفره‌شان حتی اگر دوباره و دوباره به زنجیرمان کشند، ایستاده‌ایم و مصریم بر احقاق حق‌مان در این روزهای پر التهاب که پاسخ اعتراض را به حبس و شکنجه و ترور و اعدام خواهند داد، "ز ژرف آتش و خون، به صبح توده نوید خواهیم داد، رهایی خلق ایران را، که نبرد ما را آیین است، حتی اگر کهکشان فردایش ز خون‌مان و ز سرخ چهره‌هایمان آذین بندد" نقاب تزویر و ریای مکارانه به زیر افکنده شد.

باشد که تاج استبداد در هم شکنیم.

گلرخ ابراهیمی ایرانی

بند زنان زندان اوین

دی ماه ۹۷

بر قرار باد جمهوری سوسیالیستی!

## متحدانه و سراسری علیه شکنجه بازداشت شدگان برای اعتراف گیری اعتراض کنیم



#اسماعیل\_بخشی:

به مردم عزیز میهنم سلام میکنم و از اینکه تا این لحظه بنده را مورد حمایت و محبت خود قرار دادند سپاسگذارم

به همه ی عزیزان اعلام می‌کنم اینجانب تا این لحظه با هیچ گروه تحقیقی چه از طرف دولت، مجلس و قوه قضاییه در رابطه با پرونده ی شکنجه ام در دوره ی بازداشت در وزارت اطلاعات، هیچ گفتگویی نداشته و حرفهای مرا نشنیده اند

حرفی ندارم فقط می‌گویم:

#\_به\_مردم\_دروغ\_نگوید

ارسالی به کانال تلگرامی سندیکای کارگران هفت تبه

به دنبال انتشار نامه سرگشاده اسماعیل بخشی در مورد شکنجه شدنش هنگام بازداشت توسط بازجویان و شکنجه گران و دعوت از وزیر اطلاعات برای مناظره تلویزیونی و متعاقب آن انتشار یادداشت‌های سپیده قلیان در تایید شکنجه اسماعیل بخشی و همچنین شکنجه های جسمی و روحی خود در زمان بازداشت، عوامل امنیتی و شکنجه گران، اسماعیل بخشی و سپیده قلیان را تهدید به پخش فیلمهایی کرده اند که هنگام اعتراف گیری از این دو نفر گرفته اند.

شکنجه فعالین کارگری، معلمی، دانشجویی، سیاسی و اجتماعی در طول 40 سال گذشته بی وقفه چه به خاطر اعتراف گیری و پرونده سازی در مورد اعمال ناکرده و چه به خاطر شکستن روحیه اعتراضی و مبارزاتی بازداشت شدگان یکی از اساسی ترین ابزار سرکوب و پرای ایجاد رعب و وحشت در جامعه بوده و همچنان توسط دستگاههای امنیتی و بازجویان و شکنجه گران به کار برده می شود.

نه شکنجه برای فعالین و معترضین به شرایط موجود پدیده نا آشنایی هست و نه تهدیدات و تکنیک های بازجویان و شکنجه گران برای اعتراف گیری به عمل ناکرده.

ستار بهشتی کارگر و بلاگ نویس یکی از فراوان کسانی بود که زیر شکنجه جانباخت و امروز اسماعیل بخشی و سپیده قلیان هستند که تازگی از بازداشت و شکنجه رها شده اند و کيفرخواست خود را علیه شکنجه گرانشان که با شکنجه احتمالا از آنان اعتراف گیری کرده اند، اعلام کرده اند.

سرکوب، بازداشت، شکنجه و زندانی کردن کارگران، معلمان، دانشجویان، زنان و فعالین سیاسی و اجتماعی همواره از جانب تشکلهای کارگری به عنوان ابزاری برای به تمکین واداشتن جامعه در برابر فقر، تبعیض و به بند کشیدن آزادی و عدالتخواهی محکوم شده و بر حق آزادی اعتصاب، اعتراض و تشکل و تحزب بخصوص در قطعنامه های اول «می روز جهانی کارگر» هر سال تاکید داشته اند. انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه نسبت به شکنجه و اعتراف گیری زیر شکنجه از اسماعیل بخشی و سپیده قلیان به شدت اعتراض می کند و از همه کارگران، معلمان، دانشجویان، زنان برابری طلب و همه تشکلهای، سازمانها و احزاب مدافع حقوق انسانی می خواهد نسبت به سرکوب، بازداشت، شکنجه و زندانی نمودن هر کسی به خاطر اعتراض و اعتصاب و داشتن هر عقیده و باور و یا عضویت در هر گروه، تشکل، سازمان و حزب صنفی، سیاسی و اجتماعی اعتراض کرده و خواهان ممنوعیت بازداشت و پرونده سازی علیه فعالین این عرصه ها گردند.

انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه

19/10/1397

### حمایت شوراهای صنفی دانشجویان کشور از افشاگری اسماعیل بخشی

فرزند کارگرانیم کنارشان می مانیم

هر کجا فریاد آزادی، منم

من در این فریادها دم می‌زنم

هر کجا مشتت گره شد، مشتت من

زخمی هر تازیانه، پشتت من

اسماعیل بخشی نماینده شورای کارگری شرکت نیشکر هفت تپه، طی نامه‌ای پرده از شکنجه شدنش در دوره ی بازداشت برداشت و وزیر اطلاعات را به مناظره فراخواند. آنچه اسماعیل بخشی در نامه‌ی خود افشا کرد عصاره و حد نهایی بسیاری از اتفاقاتی بود که در طول یک سال گذشته بر تعدادی از دانشجویان «در کنار دیگر گروه های معترض» رفت. بازداشت‌های بدون حکم دستگیری، ضرب و شتم هنگام بازداشت، انفرادی‌های طولانی مدت، بازجویی با چشمان بسته و انواع تهدید و ارباب و ضرب و شتم در دوران بازجویی از جمله مصادیق شکنجه و موارد غیرقانونی‌ای بود که در بازداشت برخی فعالین صنفی دانشجویی نیز اتفاق افتاد و اکنون به میانجی نامه‌ی اسماعیل بخشی برخی از آنان همچون رویا صغیری و سپیده قلیان به افشای آن پرداخته‌اند.

در این میان اما واکنش مسئولان امر چه بود؟ وزیر اطلاعاتی پاسخگو، مجلسی پیگیر و قوه قضاییه‌ای شفاف همه دست به دست هم دادند تا نشان دهند که هرگز خبری از «شکنجه» در این سیستم نبوده، نیست و نخواهد بود. اگر هم به اصطلاح «درگیری»ها و «خودسری»هایی در این زندان و آن زندان یا این بازجویی و فلان بازجویی صورت گرفته تخلفات ناصواب فردی است که در هر سیستمی پیش آمده و ممکن است پیش بیاید و نمی‌توان و نباید به پای کل سیستم سیاسی نوشت! آنچه اتفاق افتاد نام درستش «نمایش زرد» «دموکراسی است».

برای ما دانشجویان که به تجربه‌ی تاریخی سرکوب دانشجویان از «انقلاب فرهنگی» تا «بازداشت‌های دی‌ماه» می‌نگریم، تنها واکنش در برابر این «نمایش زرد» چیزی نیست جز طوفان خنده های تلخ!

شکنجه، اعتراف، زندان و... هر چقدر هم که ذاتی و طبیعی حکومت‌ها باشند، برای ما هرگز طبیعی و عادی نمی‌شوند. از این‌رو تکرار بارها و بارها از شکنجه برای ما چیزی نیست که در برابرش ساکت بنشینیم و به حساب «منطق طبیعی سیستم» بگذاریم. آنها دقیقا همین را می‌خواهند که «شکنجه»، «بازداشت» و «زندان» برای ما عادی شود و اصل بودن «حقوق بدیهی انسانی» مان را از یاد ببریم؛ که ما «دانشجویانیم»، «معلمانیم»، «بازنشستگانیم»، «پرستارانیم»، «زنانیم»، «اقوامیم»، «اقلیت‌های دینی ایم»، «روزنامه نگارانیم»، «دانش آموزانیم»، «کارگرانیم» و خواهان «آزادی» و «برابری» توأمان در این شب تاریک.

بارها شعار دادیم و بر آن هستیم که «فرزند کارگرانیم، کنارشان می‌مانیم» «و امروز ما خود به عنوان زخم‌خورده‌گان» شکنجه «و» زندان «به خاطر فریاد» برابری و آزادی»، اسماعیل بخشی را همسنگری می‌دانیم که لحظه‌ای تنه‌ایش نخواهیم گذاشت همچنان که کارگران «هفت تپه» و «فولاد» را تنها نگذاشتیم. «به او و دیگر کارگران مبارز می‌گوییم که هنوز هم «زمین زیر پای‌تان می‌لرزد»، چه اینکه مشت‌های گره کرده، پاها و حنجره‌های آکنده از فریادتان در بدن‌های ما کنشگران صنفی دانشگاهی به عنوان فرزندان‌تان تکثیر شده‌است. ما چنانچه در مقاومت علیه امواج پولی‌سازی و خصوصی‌سازی همه ساحت‌های زندگی‌مان همسنگریم، در تحمل حبس و شکنجه نیز همسرنوشتیم و در ایستادن بر حقیقت تا آخر هم‌بیمانیم.

**ایجاد تشکلهای کارگری مستقل از دولت یک ضرورت مبرم کارگران!**

## رجز خوانی رئیس دادگستری خراسان رضوی

ابراهیم باتمانی



طبقه کارگر و بخش زیادی از جامعه ایران از اصلاح طلب و سبز و اعتدال و اصولگرا عبور کرده اند. اینرا خامنه ای و کل سران حکومت خوب میدانند. و به همین خاطر است در این دوره افسار پاره کرده اید و جنایاتی که در هفت تپه و فولاد اهواز علیه کارگران مرتکب شدید با قلدی ادامه می دهید، این جنایات از سر ترستان از کارگران و مردم آزادیخواه و حق طلب است.

امروز ۱۹ دیما اخوند محسن قرانتي نیز افسار پاره کرد و تهدید میکند با استناد به قران خواستار تکه تکه کردن خیر نگران مستقل شد. محسن قرانتي رئيس ستاد اقامه نماز جمعه است. این حکومت خدا که شما نماینده او هستید فقط با تهدید و کشتن و اعدام و دروغ و عوامرایی متکی است. اما باید بروید!، سرنگون شوید!، صف آزادیخواهان و طبقه کارگر در ایران نفرت و کینه عمیقی از حکومت جمهوری اسلامی و سران او پاش شان دارند. شش ماه و چهار ماه حتی حقوق ناچیزشان پرداخت نمیشود، وقتی هم اعتراض میکنند باید با زندان و شلاق و شکنجه و توهین و بی حرمتی و پرونده سازی جواب بگیرند. این اوضاع نمیتواند به همین شکل ادامه پیدا کند.

در آخر فراخوان من به کارگران و زنان، به دانشجویان و کمونیستها و به صف آزادیخواهان و برابری طلبان اینست که متحد شوند و به این پراکندگی خاتمه دهیم. نباید هیچ توهمی به این رژیم دزد و آدم کش و هیچ جناح و فردی از آن داشت. با آگاهی طبقاتی و شکل دادن به صف مستقل خود و با در دست داشتن پرچم آزادی و برابری و حکومت کارگری، بدور از هر نوع گرایش مذهبی و ملی گرایانه و ناسیونالیستی باید به میدان آمد و جنگ نهایی خود را به منظور به زباله دان تاریخ فرستادن این نظام ضد انسانی و برای استقرار یک نظام سوسیالیستی و در شان انسان به سر آنجان رساند. در این مبارزه مهم ضروری است که به صف حزب سوسیالیست انقلابی ایران بپیوندید. ما باید حکومت خودمان را سر کار بیاوریم که برای همیشه آزادی و برابری و یک زندگی مرفه و شاد را متحقق کنیم. استثمار و فقر و فلاکت و جنایت بس است! ما برده نیستیم، انسان هستیم، و باید برابر و انسانی زندگی کرد!، زنده باد سوسیالیسم!

به گفته رئیس کل دادگستری استان خراسان رضوی در ۱۸ دیماه، "حکومت جمهوری اسلامی به نمایندگی از امام زمان و به نمایندگی از خدا در امور مردم دخالت میکند". به گفته این آخوند شیاد، علی مظفری، "اگر کسی در حکومت عدل اسلامی مجازات شود از مجازات آخوری او کم خواهد شد". باید از این آخوند مریض نماینده خدا پرسید: پس چرا آقای طوسی قاری قران و نور چشمان رهبر که تجاوز به دهها کودک نمود نمیفرستید زندان و نمیآوردید مجازات کنید تا گناهانش و آخروی او کم شود؟ چرا خمینی و خامنه ای و رئیسی و خلخالی و روحانی و رفسنجانیها را زندان نبردید و نمی برید تا در قبال جنایتهای بیشمارشان در آن دنیای کشک و تو خالی شما اسلامیها اندکی تخفیف بگیرند!

از این آخوند بی حیا باید پرسید تو و حکومت دزد و آدم کش چه هدفی دارید تعقیب میکنید. میخواهید بگوید آقای بخشی و هزاران کارگر و دانشجو، معلم و زن، و فعالین جنبش آزادیخواه و برابری طلبی، و معترضین به این وضعیت اگر بازداشت و شکنجه میشوند باید شکرگذار خدا ی این نظام جانی هم باشند! چون برای آخرتشان خوب است. برآستی شیادی و بیشرمی هم حدی دارد!!، باید از سران حکومت اسلامی پرسید شماها چهل سال است که از طرف خدا مامور شده اید تا این جامعه را به نابودی بکشید، هزاران هزار جوان را آگاهانه و با برنامه سران حکومت و سپاه پاسداران معتاد کردید، دخالت شما نماینده گان خدا و امام زمان طرفدار سرمایه داران و ستم کاران عامل این همه بیکاری و فقر و فلاکت مگر نیستید؟ مگر نامانی و فضای ارباب و فساد را به جامعه تحمیل نکرده اید؟ مگر شما ماموران خدا صدها هزار جوان ان مملکت را به پای جوخه اعدام نبردید؟ و هزاران هزار نفر را نکشته اید که حتی جنازه شان هنوز مشخص نیست برای خانواده شان در کجا به خاک سپرده شده اند؟ مگر شما نمایندگان خدا چهل سال زنان ان مملکت را مورد هجوم و تحقیر و بیحرمتی قرار داده اید؟ مگر هزاران هزار دختر و پسر نوجوان و کودک مورد تجاوز شرعی کثیفان قرار نگرفته اند؟ و...، شما جنایتکاران، تک تک تان، آیا حاضر هستید بروید زندان تا به گناهانتان هنگام گور بگور شدنتان کاهش داده شود؟، لابد هر چه جنایت و حماقت و ظلم و آدمکشی است برای دین و جنبش و دولت شما در ردیف ثوابیت و کاهش از گناهانتان در همین دنیا و گرفتن امتیاز برای بهشت رفتن و رسیدن به آرزوهای احمقانه تان در آن دنیا حساب باز کرده اید. هر جنایتی میکنید، هر غلطی که میتواند بکنید، بکنید، ما زنان و کارگران و مردم شرافتمند حساب تک تک شما پیشرف ها و مذهبیون حاکم و سرمایه داران انگل خواهیم رسید! در همین دنیایی واقعی مجازاتتان میکنیم!

بله نمایندگان خدا! شما در همه چیز مردم دخالت کرده اید و دارید ادامه میدهید. اما مردم حق ندارند از شما بپرسند این همه سرمایه را از کجا آورده اید. چرا زندگی شما با بقیه فرق دارد؟ چرا بچههای شما با پول این مملکت در خارج زندگی میکنند و دهها سوال دیگر. جاده باید دو طرفه باشد! خودتان خوب میدانید که مردم، به خصوص کارگران و محرومان ان جامعه، نه برای قران و نه برای دولت و خدایتان تره خورد نمیکند، مگر کسانی که شریک آخور شما باشند. دست شما برای همه رو شده است. جامعه ایران دیگر فریب این دکان و بازار شما را نمیخورد. شما جای اعتماد نود در صد ان جامعه نبودید و نیستید. در عمل دست شما برای همه رو شده است.

	<a href="mailto:iransocialist2017@gmail.com">iransocialist2017@gmail.com</a>	<a href="http://www.simroz.org">www.simroz.org</a>	
<p>حزب سوسیالیست انقلابی ایران، حزب طبقه کارگر، حزب جنبش رهایی زن، و حزب جوانان پرشور و انقلابی و همه انسانهای مبارز و سوسیالیست است. نیاز واقعی جامعه ایران و ضرورت سازماندهی مبارزه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ملیتانی علیه وضع موجود و برای سرنگونی نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی و همه ارکان مذهبیض ضرورت اولیه سازماندهی جنبش حزبی را برای جنبش ما ایجاد کرده است.</p> <p>حزب سوسیالیست انقلابی ایران همه کارگران و زحمتکشان، همه مبارزان راه آزادی و برابری را به پیوستن به صفوف خود فرامیخواند!</p> <p>حزب سوسیالیست انقلابی را به دوستان خود معرفی کنید. در اشکال مختلف تاسیس حزب انقلابی خود و آرم و آدرسهای تماس با آن را در مراکز کارگری و میادین شهرها و محلات بخش کنید. در هر جا که هستید چه به شیوه فردی چه با تشکیل محافل و گروههای مورد اعتماد خود به عضویت حزب سوسیالیست انقلابی در بیایید.</p> <p>از هر راهی که از نظر امنیتی مناسبتر میدانید با حزب تماس حاصل نمایید.</p> <p><b>زنده باد حزب سوسیالیست انقلابی!، زنده باد سوسیالیسم!، مرگ بر جمهوری اسلامی!</b></p>			

**نه شاه نه شیخ!، نه قومی نه مذهبی! مرگ بر جمهوری اسلامی!**

## تهران: یک سوسیالیست، یک اسلامی و یک شونیست در یک تاکسی (ارسال شده برای نشریه سوسیالیسم امروز)

بهاره آزادی

دلم برای دوستم تنگ شده است، و رفتم او را ببینم. مسیر برگشت از میدان رسالت به سمت میدان ولیعصر است. سوار تاکسی می شوم و اولین نفری هستم که سوار تاکسی می شوم و منتظران تا پر شود. رادیو روشن است، می گویم روحانی داره حرف می زنه، میگه اره یک دروغگوی بزرگ و فریبکاره. در جواب می گویم مختص روحانی نیست فریبکاری از خصوصیات این نظام است. میگه درسته، اما خدا را شکر یک لیبر فیهیم و قوی داریم. با کمی تعجب به او خیره می شوم می گویم منظورتان کیه. در جواب می گوید آقای رضا پهلوی. با خنده می گویم اره خوبه اما فکر نمی کنید که افتادن ایران به دست جریان اسلامی و اخوندها شاه مقصر اصلی بود. اگر می گذاشت که حزبی غیر از حزب رستاخیز فعالیت می داشت، اگر ساواک و زندان نداشت، اگر فقیر آزمان هم گسترده نبود، اگر مردم از سایه شاه هم نمی ترسیدند، مردم می توانستند انتخاب بهتری داشته باشند و اوضاع به اینجا ختم نمیشد. شاه احزاب سیاسی و چپی را بست و مساجد را برای آخوندها و مراسم مذهبی باز گذاشت.

میگه چرا اما آقای رضا پهلوی آزادتر فکر می کند و رفراندم برای انتخاب مردم انجام می شود که مردم سلطنت یا جمهوری را انتخاب کنند. میخواستم بگویم صدای زورنا از دور خوش است، خمینی هم قرار بود آزادی و امنیت و رفا و اتوبوس مجانی بیاورد!، نرسیدم. بعد از مدت کوتاهی تاکسی پر می شود یکی از مسافران که به نظر می رسد دهه شصتی باشد جلو تاکسی می نشیند و وارد بحث می شود، در واقع بحث دیگری شروع میگردد. مذهبی است و از طرفداران جنبش سبز. حالا یک دهه شصتی طرفدار جنبش سبز که مذهبی است، یک سلطنت طلب دهه سی و یک سوسیالیست دهه پنجاهی. جوان دهه شصتی باشور و حرارت و عصبانیت زیاد از اوضاع نابسامان حرف می زند و به شدت بر ضد رضا پهلوی و اپوزیسیون خارج از کشور و حتی از دست مردم بی تفاوت که در جنبش شرکت نمی کنند و در اعتراضات به طور وسیع شرکت نمی کنند گله مند است و اعتقاد دارد تا این مردم با این شرایط خودشان را اصلاح نمی کنند و به طور جمعی رفتار نمی کنند اوضاع همین است. در جوابش می گویم اقا همین مردم سه میلیون نفر که در خیابان ریختند و آقای موسوی مدیریت نکردند چون خودش پیکره رژیم بود، آقای موسوی بهایی نداند چون دنبال سهم گرفتن خودش در قدرت بود و این مردم بودند که با خون جوانانشان بهای این اعتراضات را می دهند و آقای موسوی و جناحی از رژیم از آن سود بردند. آن جناح و آن بخش جنبش سبزی در خانه اش نشسته اند و مشکلی هم ندارند.

می گوید سه میلیون نبودند و شش میلیون بودند. می گویم چه بدتر!، ایا اگر رکی به کفش نداشتن و مخالف سیستم بودند، که نبودند، نباید می گفت این نیرو باید به سمت پاستور بروند و کار را یکسره کنند؟، آقای موسوی در توهم دوران طلایی امام فقط آمدند جوانان مردم را به کشت دادند و به نظام خدمت کردند. همان دوران طلایی اعدام های دهه شصت و تجاوز به دختران سیزده ساله اگر آقای موسوی روشنتر حرف می زدند، که نمیتوانستند تیر به پای خودشان بزنند، که خواهان استمرار ولایت فقیه هستند، که نمی بایست باشند، به این شکل مردم نا امید نمی شدند. در جواب می گوید اینطور نگویند که موسوی بهایی نداده، آقای موسوی ایراداتی دارد اما "تمرین دموکراسی" بود. در جواب گفتم موسوی و تمرین دموکراسی؟ ابداء، او روی توهمات بخشی از مردم و نارزاییهای آندوره سرمایه گذاری کرد اما چون خودش رأیمی بود و هست نتوانست از آن علیه کلیت نظام بهره بگیرد. از آن طرف، راننده تاکسی سلطنت طلب دوباره شروع کرد به طرفداری از بختیار و شاه، در جواب می گویم اگر اینها بر سر نوشت مردم حاکم نمی بودند احترام و ارزش و آینده بهتری بدست می آوردند، هر چه میکشیم از دست آن نظامهای قرون وسطی و ملی یا مذهب گرایانه است. ...

هفت تیر پیاده می شوم و خداحافظی می کنم و می گویم ممنون که همدیگر را تحمل کردیم به امید آزادی. و به امید روزی که این مملکت دیگر نه نیاز نه به شاه داشته باشد نه به شیخ. هر دو امتحان خود را پس داده اند...، هر دو ابزار دست سرمایه داران و ائمه گرانند، برای آینده بهتری باید تلاش کرد!

کشور ایران، دوبار، دو تجربه، و دو آلترناتیو ارتجاعی را در عرض یکصد سال اخیر تجربه کرده است. هم تاریخ سیستم عقب مانده و سرکوب گر شونیستی- سلطنتی و هم تاریخ عقب مانده تر و قرون وسطی تر و جانی تر از نوع حکومت اسلامی. هر دو تجربه، تجربه مملو از خون و کشتار، و استبداد و جنایت و زندان و شکنجه و اعدام و بی حقوقی و زدن آزادی و برابری و رفاه جامعه است، هر دو ضد کارگری و کمونیستی، هر دو حافظ یک مشت سرمایه دار انگل و سرکوبگر و دزد و فاسد. اکنون نوبت این است که کارگر و جنبش سوسیالیستی مدعی باشد! باید به میدان بیاد، باید قدرت را بگیرد. راه قدرت یابی اش نیز دقیقاً پیگیری و پابی فشاری بر صف مستقل طبقاتی خود، به یک سیاست روشن، شفاف و انقلابی، درس گرفتن از تجربه سال ۵۷، پرهیز از پوپولیسم بازی و "همه با هم" بودنهای فریبکارانه، و دست بردن به ابزارهای سرنگونی طلبانه به شیوه انقلابی در بعد کارگری، توده ای، حزبی، مسلحانه، و اتکا صرف به مبارزه و سیاست و صف مستقل و واحد سوسیالیستی جنبش خود!

Iran socialist 2017@gmail.com



## اخبار و گزارشات مهم کارگری و توده‌ای در هفته‌ای که گذشت!

تهیه و تنظیم: عزیز آجیکند



تجاوز متهم کرده بود. او در ویدئویی پیشینه‌آشنایی خود را با سلمان خدادادی، نماینده ملکان در مجلس، توضیح داده و گفته بود این مقام ایرانی، از او که منقاضی شغل بوده، سوءاستفاده جنسی کرده است.

### بازداشت سردبیر و عضو تحریریه نشریه دانشجویی گام توسط نیروهای انتظامی

نیمه شب چهارشنبه ۱۹ دیماه، "امیرحسین محمدی فر" و همسرش "ساناز اله یاری"، از اعضای نشریه "گام" در منزل پدری خود از سوی نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شدند. بر پایه این گزارش این روزنامه نگار از اعضای سابق دانشجویان آزادیخواه و برابر طلب تهران، عضو پیشین هیات تحریریه نشریه‌های دانشجویی خاک و آرمان نو و دانش‌آموخته علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور تهران است. گفتنی است که امیرحسین محمدی فر در اسفند ۱۳۸۷ بازداشت و به زندان اوین منتقل شده بود. امیر حسین محمدی فر در آذر ماه سال گذشته نیز در تجمع اعتراضی که نسبت به وضعیت رضا شهابی فعال کارگری برگزار شده بود، به همراه ربابه رضایی همسر شهابی، یاشار دارلشفا و تنی چند از فعالان کارگری و مدنی از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شده بود. نشریه سیاسی، صنفی و فرهنگی «گام»، تا کنون سلسله یادداشت‌هایی را با موضوع‌های کارگری و در پیوند با اعتراض‌های اخیر در ایران منتشر کرده است.

**تجمع اعتراضی معلمان کرمانشاه مقابل اداره آموزش و پرورش**  
جمعی از معلمان در استان کرمانشاه در اعتراض به «عدم دریافت حقوق» «همچنین» بی‌توجهی مسئولان به مطالبات‌شان «دست به تجمع زدند. به گزارش رسانه‌ها و براساس تصویر و فیلم‌هایی که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده، این معلمان روز پنجشنبه ۲۰ دی ماه مقابل اداره کل آموزش و پرورش کرمانشاه تجمع کرده‌اند. مواردی چون تغییر در لایحه بودجه به نفع مزدبگیران، درخواست آزادی معلمان زندانی،

اخبار و گزارشات مهم کارگری این هفته را با محرومیت کارگران زندانی فولاد اهواز از دسترسی به وکیل آغاز می‌کنیم: بر اساس گفته‌های "فرزانه زیلابی" وکیل مدافع کارگران فولاد اهواز، کارگران زندانی از دسترسی به وکیل محروم هستند. پنج کارگر زندانی فولاد اهواز به نامهای "، کریم سیاحی، میثم آل مهدی، مصطفی عبیات، طارق خلفی و بهزاد علیخانی" در بازداشتگاه اطلاعات سپاه اهواز و تحت "فشار شکنجه و اخذ اعترافات اجباری" هستند.

### اعتصاب جمعی از کارگران نیشکر هفت تپه

روز سه‌شنبه ۱۸ دیماه، جمعی از کارگران نیشکر هفت تپه در اعتراض به معوقات مزدی خود دست به اعتصاب زدند. این کارگران که در واحد تولیدی شکر مشغول به کارند، اعلام کرده‌اند در صورتی که تا روز شنبه هفته آینده حقوق دو ماهه آنها پرداخت نشود مجددا اقدام به از سرگیری اعتصاب به شکل جمعی خواهند کرد. روز پنجشنبه ۲۰ دیماه نیز، کارگران شرکت نیشکر هفت تپه در اعتراض به پرداخت نکردن حقوق‌های عقب مانده شان دست به اعتصاب زده و در مقابل دفتر مدیریت این شرکت تجمع اعتراضی برپا کردند.

### ادامه اعتصاب رانندگان ماشین‌آلات فاز ۱۲ پارس جنوبی

روز سه‌شنبه ۱۸ دیماه، رانندگان ماشین‌آلات فاز ۱۲ پارس جنوبی در اعتراض به عدم پرداخت معوقات مزدی که از هفت روز پیش دست به اعتصاب زنده بودند همچنان ادامه دارد. این رانندگان که وارد هفتمین روز از اعتصاب خود شده‌اند از مرداد ماه سالجاری تا کنون هیچ مزدی دریافت نکرده‌اند. آنان در این خصوص می‌گویند که تا پرداخت تمامی معوقات مزدی به اعتصاب خود ادامه خواهند داد. تا کنون هیچ یک از مسئولان این شرکت پاسخگوی مطالبات مزدی آنان نشده است.

**بیش از ۳۲۰ کارگر در معدن طلای آق‌دره باردیگر بیکار شدند**  
طی دو ماهه گذشته بیش از ۳۲۰ تن از کارگران معدن طلای آق‌دره در شهرستان تکاب اخراج شده‌اند. کارگران اخراجی می‌گویند؛ کارفرما با توجیه فصلی بودن کار، از تمدید قرارداد با آنها خودداری کرده است. اتفاقی که تقریباً هر سال تکرار میشود و کارگران برخی از واحدهای این شرکت معدنی را خانه نشین میکند.

### در میان خبرها

**حاضر در دادگاه درباره شکنجه خود و اسماعیل بخشی شهادت بدهم**  
سپیده قلیان، فعال مدنی که همانند اسماعیل بخشی و شماری از کارگران نیشکر هفت تپه در آبان ماه بازداشت شد و نزدیک به یک ماه زندانی بود، روز چهارشنبه در تویتر خود موضوع شکنجه خود و اسماعیل بخشی را مطرح کرد.

### مرگ زهرا نویدپور

خبر مرگ یک زن جوان اهل شهرستان ملکان در آذربایجان شرقی روز سه‌شنبه منتشر و خیلی زود داغ شد. جسد این زن روز یکشنبه در منزل مادرش در شهر ملکان پیدا و به بیمارستان فارابی این شهر منتقل شده بود.

نام این زن، برای کسانی که خبرهای حاشیه‌ای مجلس ایران را دنبال می‌کنند، آشنا بود. زهرا نویدپور که پیش از انتشار خبر مرگش، نامش با عنوان «زن.» مطرح می‌شد، پیش از این یک نماینده مجلس را به

**ما فقط برای یک پیروزی سوسیالیستی مبارزه می‌کنیم!**

**بدون پیروزی سوسیالیسم هیچ اعتراض و "انقلابی" به نفع طبقه کارگر و اکثریت جامعه تمام نخواهد شد!**

سلام زیجی

S\_zijji@yahoo.se

نه شاه نه شیخ، نه قومی نه مذهبی، نه ملی اسلامی‌ها، نه فدرالیست چی‌ها، نه اسلام مجاهدینی، نه سیستم رعیت پروری پادشاهی،  
مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد سوسیالیسم! زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## تربیبون اصلاحطلبی ، تربیبون ضد مردمی

عزیز آجیکند

طلبانه برایش راه انداخت و چنین کاراکتر و ایدئولوگها و بلبل زبانهایی چون سعید حجاریان و صادق زیباکلام را درخور جامعه داد. اصلاح طلبان دولتی و غیر دولتی بارها گفته اند که ما نیروی برانداز نیستیم و برای حفظ نظام جمهوری اسلامی از هر تلاشی دریغ نخواهیم کرد. این جریان به فاصله سالها از فعالیت خود بارها وفاداری خود را به نظامشان ثابت کرده اند و در هر رویداد و اعتراضی که مشخصا جمهوری اسلامی را خطاب قرار داده باشد با اصولگرایان حکومتی در یک جبهه و در یک سنگر قرار گرفته اند و مردم معترض به سیاستهای جمهوری اسلامی را سرکوب کرده اند.

یکی از شعارهای که مجد خاتمی هر بار به زبان می آورد و طرفداران چماق بدستش آنرا در هر مناسبتی بکار میبرند ، زنده باد مخالفین من است. این شعار را بارها ما شنیده ایم و در چهارچوب همین شعار ها بود که در دو مقطع مشخص و در فاصله زمانی محدود خاتمی و طرفدارانش آنرا به فراموشی می سپارند و همراه جناح دیگر اصولگرایان به جان مردم می شتابند و حمام خون راه می اندازند. اصلاحات از ابتدا با نفاق و دو رویی روئید. کوشید حکومت را در دست گیرد و بر مسند قدرت بنشیند. برای کارگرو زحمتکش به میدان نیامده بود و قصد نداشت برایش کاری از پیش ببرد . آبادانی و کارو ریشه کن کردن فقر و فلاکت و سیاه روزی در دستور کارش نبود. امروز بعداز سالها اصلاح طلبان دگر بار حال چندان خوشی ندارند. شکست یکی پس از دیگری. با وجود پیروزیشان در انتخابات دوازدهم و حتی "انتخابات" برخی از شوراهای اسلامی شهرو روستا عملا به حاشیه رانده شدند یا حتی برکنارشان کردند و از دایره قدرت دور شدند.

روحانی چهره نامحبوب این جریان در ادامه روند کاری خود از حامیان خود به نوعی فاصله گرفت و این فاصله گرفتن ها مایه گلایه هایست که امروز سعید حجاریان بر زبان میآورد و میگوید که ما دورانی حاضر بودیم دندانه‌های کلید روحانی باشیم و از مردم خواستیم که پای صندوقهای رای بروند و به آقای روحانی رای بدهند . اما امروز آنطور پیش نرفت که ما پیش بینی آنرا کرده بودیم . اصلاحطلبان به خوبی میدانند که امروز روحانی دقیقا نقش آنها را در بازار سیاست در ایران بازی میکند . نقش دوسویه‌ای که آنها در عملکرد و موضع گیریها از خود نشان میدادند امروز زحمتش به گردن روحانی افتاده است و آقای رئیس جمهور باید آنرا اجرا و به‌کار بگیرد و به جنگ مردم و قشر محروم جامعه برود.

روحانی کار خود را خوب میدانند و با بدست آوردن تجربیات بیشتری از عملکرد مخالفین خود بیشتر از هر زمانی آشکارا به‌سوی بازیگران اصلی حاضر در ساختار قدرت متمایل شده و علنا و آشکارا به سوی خامنه ای گام برداشته و در جهت پیش بردن سیاستهای این روباه پیر قدم بر میدارد . در این مدت کوتاه از تشکیل کابینه اش بعداز انتخابات ریاست جمهوری و شروع دولت دوازدهم ، اعدامها را گسترش داده و سرکوبهارا در دستور کابینه خود قرار داده است . نه باوری به دموکراسی دارد و نه باوری به اصلاحات و همفکرانش. هدف فقط حفظ نظام جمهوری اسلامی است . همان هدفی که در دوم خرداد سال ۱۳۷۶ از طرف رهبر اصلاحات جناب خاتمی پایه گذاری شد و آنها هم تا به امروزش رساندند.

باید جمهوری اسلامی را با هم این گرایشات و اوپاشی که دارد از سر راه برداشت و نابود کرد. باید کلیه جناحهای آنرا در یک تابوت گذاشت و در گورستان تاریخ ننگ بشریت دفن کرد. مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد سوسیالیسم!

گرچه منتهاست در جامعه ایران سخنی در رابطه با اصلاحطلبان حکومتی به گوش نمیرسد و ستاره بخت این جریان ضد مردمی روبه‌تاریکی گرویده است اما گهگاهی در لابه‌لای مطبوعات و در کشمکشهای حکومتی به مناسبت های مختلف سرو کله چند تن از ایدئولوگهای این جریان پیدا میشود و به باب سخن می پردازند . این نیروی فرسوده پس از چندین نبرد برای دوباره زنده شدن و زنده ماندن ، میخاوند روحیهی خسته و وامانده خود را باری دگر کنار بگذارند و از وضع موجود خود به نوعی عبور کنند و با نشانه گرفتن از نقاط ضعف "مدیریت" حسن روحانی ، پرواز دوباره خود را بر جامعه ایران محک بزنند.

اصلاحطلبان حکومتی به خوبی میدانند که در اعتراضات و تظاهراتهای اخیر در ایران به خصوص بعداز رویدادهای هفتم دیماه سال ۱۳۹۶ ، تنها جریانی که نامی ازش برده نشد و بر سر زبانها نیامد ، آنها بودند. جریانی که با همه دارو دسته اش در این مدت یا به حاشیه رانده شد و یا در هر اعتراضی با جریان خامنه ای متحد و هم پیاله شد و در کمین روحانی نشست به جنگ وی رفت . عملکرد واقعی این جریان اگر چه تا قبل از رویدادهای هفتم دیماه نیز برای همگان روشن بود اما در موضعی هر روزی معروفترین ایدئولوگهای این جریان از جمله سعید حجاریان و صادق زیبا کلام ماهیت واقعی اشان بیشتر از هر زمانی بر همگان روشن گردید. امروز مردم معترض در هر اعتراض و هر جنبشی آنها را همچون اصولگرایان حکومتی بایکوت و مرگ برایشان میفرستند. نه انتقاد از شخص روحانی و رفتن به جنگ با وی و نه بایکوت دولت دیگر ذره‌ای نمی تواند به داد این ریاکاران دوسویه برسد. کاراکترها و ایدئولوگهای این جریان همچون روحانی و جناح اصولگرایان در جبهه‌ای قرار گرفته‌اند که مردم آنها را دشمنان خود می پندارند.

واقعیت این است که اصلاحات در ایران هیچگاه دارای پایگاه اجتماعی و قوی در بین توده های مردم نبود. این " جنبش" همیشه برای حفظ نظام بسیار سخت تر از جناح اصولگرا عمل کرده است اما از راه و روش خود یعنی فریب و نیرنگ و نرمش بیشتر تا کلیت نظام را از دست معترضین نجات دهد، از این نظر موفق هم عمل کرده است. این جریان در یک مقطع مشخص در درون نظام جمهوری اسلامی قد علم کرد و اهدافش صرفا بیرون آوردن جمهوری اسلامی در بطن بحرانهایی بود که در آن گیر کرده بود. اصلاح طلبان همیشه و در هر زمانی دچار ریاکاری دوسویه‌بوده‌اند . تاریخ این جریان در عرصه‌های مختلف و در رویدادهای مهم در جامعه ایران ، به کرات اثبات شده‌است. آنها همیشه کوشیده‌اند وفاداری خود را به بخش مسلط حکومت ثابت کنند و از طرفی دیگر هم تلاش کرده‌اند به مردم بگویند طالب دموکراسی و حقوق بشر هستند. اصلاحطلبان حکومتی تا به امروز نتوانسته‌اند نه اعتماد گروه اول را کاملا جلب کنند و نه اعتماد گروه دوم را. این ریاکاری ریشه‌ای ساختاری دارد و زوزه‌های نه سعید حجاریان و نه صادق زیبا کلام ، دیگر نمیتواند خشم و نفرت مردم را از آنها بکاهد.

جنبش اصلاحات با تعریفی که از آن داریم هیچگاه نتوانست رابطه عاطفی مشخصی با قشر محرومان جامعه در ایران داشته باشد و با آن ارتباط برقرار کند. این جریان مسرده به دنیا آمد و شکستشان را از همان نخستین روز های بقدرت رسیدن تجربه کردند و آن چیزی نبود جز اینکه که جمهوری اسلامی اصلاح پذیر نیست تا حرکت اصلاح

### به روایت تصویر: مبارزه کارگران و آزادیخواهان و چند اتفاق مهم دیگر در هفته ی که گذشت



تجمع مباحثگان بنده شانیدر در مشهد

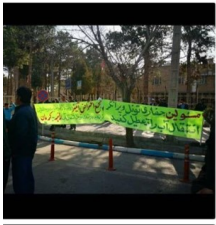


چندی پیش الهام احمدی و نو درویش زن توپگر با انتشار فیلمی صحنه گهواره کشته بوند که سوی ستوان زانان مورد ضرب و شتم قرار گرفتند.



تجمع در شرکت نفت

تجمع اعتراضی در مقابل استانداری رزم در کرمان روز سه شنبه ۱۸ دی ۱۳۹۷، جمعی از مردم کرمان در اعتراض به سنساری و نقل و انتقال بنده حوزه آب هفت رود و ایران نگارانی از خشک شدن تالاب بین المللی جاز مورین مقابل استانداری این شهر تجمع اعتراضی برگزار کردند.



مرگ مشکوک «زهره نویدپور»؛ احتمال بررسی ادعای تجاوز نمانده مجلس ایران به یک زن در هیات نظارت بر نمایندگان



یکی از نمایندگان سابق در مجلس خبر مرگ زهره نویدپور ۲۸ ساله را به علت خرونگینی در روز ۲۴ دی منتشر کرد.

در حالی مجرای مرگ مشکوک «زهره نوید پور» خرسران شده است که چندی پیش، یک ویدیو منتشر شد که در آن دربار ادعای تجاوز توسط سلمان خدادادی یکی از نمایندگان و رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس را شرح می داد. حالا یک عضو هیات نظارت بر نمایندگان مجلس ایران به بازگویی این ادعا است که شکایتی در این خصوص به هیات نظارت بر نمایندگان نرسیده اما اگر شکایتی به این هیات ارجاع داده شود، رسیدگی خواهد شد. اگر اطمینانی یکی از نمایندگان سابق در مجلس ششم و حتم شورای اسلامی در گذارنگرامی خود خبر مرگ این زن ۲۸ ساله را به علت خرونگینی در روز ۲۴ دی منتشر کرد.



پنجاه روی یک خانم بدون روسری در خیابان ولیعصر با پلاکارد «حجاب از سر برکنید» و «جنینش فیروزه‌ها» وکیل سپیده قلیان، فعال منشی؛ چرا اجازه معاینه پزشکی قانونی به موکل داده نشد

پنجاه روی یک خانم بدون روسری در خیابان ولیعصر با پلاکارد «حجاب از سر برکنید» و «جنینش فیروزه‌ها» وکیل سپیده قلیان، فعال منشی؛ چرا اجازه معاینه پزشکی قانونی به موکل داده نشد



تجمع خریداران خودروهای ثبت نامی در نهران

به گزارش هراسا، امروز پنجشنبه ۲۰ دی ماه ۱۳۹۷، جمعی از خریداران خودروهای ثبت نامی از گروههای خودرو سازی سایپا، بهمن موتور و ایران خودرو در محل نمایشگاه نهران اقدام به برگزاری تجمع اعتراضی کردند. معترضان دلیل تجمع خود را در اعتراض به عدم تحویل خودرو و نسبت به «برآورده نشدن مطالبات سایپا» ذکر کردند.



تجمع معلمان و فرهنگیان در اردبیل

امروز پنجشنبه ۲۰ دی ماه ۱۳۹۷، جمعی از معلمان و فرهنگیان اردبیل در اعتراض به عدم پرداخت ماه دو حقوق و بی توجهی مسئولان به مطالبات خود در مقابل اداره آموزش و پرورش این شهر دست به تجمع اعتراضی زدند.



سپیده قلیان منشی در حمله اعتراضات هندیه، پل دست شاد به ارتکاب یکباره با بونه از شد



#اسماعیل\_بخشنی: به مردم عزیز مهمهم سلام میکنم و از اینکه تا این لحظه بنده را مورد حمایت و محبت خود قرار دادند سپاسگذارم



چرندیات جمهوری اسلامی در پاسخ به نامه افشاگرانه اسماعیل بخشنی!

## کارگر زندانی آزاد باید گردد!، استثمار، بیکاری، پرچم سرمایه داری!

## دیاردی تیروریزم و ریگانی به رهنگاریونه‌وی

حزبی سوسیالیستی ٲینقلابی ٲیران باسٲیک به رٲیوه ده بات ده ربارهی :



۱- ٲنٲکها ته و هو کاره کانی هاتنه کایه‌ی دیاردی تیروریزی سیاسی و له ناو بردنی مرؤفه کان و ریگانی به رهنگاریونه‌وی دیاردی له و شیوه...

۲- ریٲکخراوٲیک که عه بدولای مهتدی به ربرسیٲی بوٲی ناتوانی ریٲکخراوٲیکی سیاسی بی؟

ٲم ریٲکخراوه به وه ک هیژیکی گهنده لی سیاسی و نه ته وه خوازی و هیژیکی چه کدارو مه ترسیدارو ناشورشگیر که هه نگری سووننه تی قیزه ونی کرده وی تیروریزیته چون ده کری حیسانی هیژیکی کاریگه رو به ربرسی له سه ر بگری؟ نایا هاوکاری و نزیکی هیزه سیاسی ه کان له گهل ٲم ریٲکخراوه، تا چ راده به ک ده توانی بو کارو جالاکیان له خه باقی سیاسی و روژانه یاندا پر مه ترسی و زهره رهنه ند بی؟

۳- له قاودانی چهنه د بابه تیکی هه ستیارو له قاونه دراو سه باره ت به کرده وی تیروریزی و دژی ٲینسانی رابه ری ریٲکخراوٲیکی ساخته، که به ناوی "کومه نه" کارو جالاک ده کات...

۴- قسه و باسٲیک له گهل کریکاران و هاولاتیانی نازادیخواز، هه روه ها بانگه واژیک بو ریٲکخراوه چه پ و راسته کانی به ربرس له گوره پانی خه باقی سیاسی.

### ٲیشکشکهری باسه کان :

هاورٲی سه لامی زیجی، ده بیری شوورای رٲبه ری حزبی سوسیالیستی ٲینقلابی ٲیران شوٲین: توری کومه لایه تی فیسیبوک

کات : روژی یه کشمه ۲۳ ی مانگی دی سالی ۱۳۹۷، به رابه ر له گهل ۱۳ ی ژانویه ی سالی ۲۰۱۹ زاییخی

کاتژمٲر: ۱۹ و ۳۰ خوله ک به کاتی ئورویای ناوه ندی و کاتژمٲر ۲۲ به کاتی ٲیران

ده بیره خانه ی حزبی سوسیالیستی ٲینقلابی ٲیران

iransocialist2017@gmail.com

۱۷ دی سالی ۱۳۹۷

۷ ی ژانویه ی ۲۰۱۹

### نشریه شنبه ها

#### منتشر میشود

روزهای شنبه هر هفته نشریه "سوسیالیسم امروز" منتشر میشود. آخرین زمان برای ارسال مطالب برای نشریه روزهای پنجشنبه هر هفته است.

### موازین انتشار

#### مقالات در نشریه

#### سوسیالیسم امروز:

- سردبیر در انتشار، رد و ویرایش مقالات آزاد است!  
- مقالاتی در این نشریه منتشر میشوند که تنها برای این نشریه فرستاده شده باشد.  
- مسنولیت مقالات با نویسندگان آن است.  
- حداکثر حجم مطلب منتشره در نشریه دو صفحه آ ۴ با فونت ۱۲ میباشد.

مقالات و گزارشات خود را لطفاً به این آدرس ایمیل بفرستید:

S\_zijji@yahoo.se

### به ما کمک مالی کنید

از طریق این شماره حساب کمک های مالی خود را برای ما بفرستید.

SWEDEN  
SEB BANK  
50550056411

هر میزان از کمک مالی شما انسانهای مبارز و دلسوز مستقیماً به پیشرفت ما در جهت گسترش مبارزه خود برای آزادی و برابری و تداوم مبارزه همه جانبه تر خود به منظور سرنگونی جمهوری جنایتکار اسلامی کمک فوری خواهد کرد.

## پدیده تروریسم و راهای مقابله با آن

حزب سوسیالیست انقلابی ایران برگزار میکند:

- ۱- منشا و عواملهایی به وجود آورنده پدیده تروریسم سیاسی و فیزیکی انسانها چیست؟، راههای مقابله با آن کدامند؟
- ۲- سازمانی که عبدالله مهندی مسئول آن است چرا یک سازمان سیاسی نیست؟، این جریان، به عنوان یک پدیده فاسد سیاسی ملی گرایانه و یک نیروی مسلح خطرناک و ضد انقلابی، که دارای سنت و اعمال تروریستی زیادی است، چگونه میتواند در ردیف یک جریان سیاسی مسئول به حساب بیاید؟! آیا همکاری و نزدیکی نیروهای سیاسی با چنین جریانی چگونه بر جایگاه و روند مبارزه سیاسی آنها پر مخاطره آمیز بوده و تأثیر منفی خواهد گذاشت.
- ۳- فاش کردن چند موضوع فاش نشده تا کنونی در باره اعمال تروریستی و ضد انسانی رهبری حاکم بر این سازمان جعلی که به اسم "حزب کومه له" فعالیت دارد.
- ۴- سخنی با کارگران و شهروندان مترقی و آزادیخواه، و فراخوانی به احزاب چپ و راست مسئول، ارائه دهنده بحث:

رفیق سلام زیجی، دبیر شورای رهبری حزب سوسیالیست انقلابی ایران مکان: شبکه اجتماعی فیس بوک

زمان: روز یکشنبه، ۲۳ دی ۱۳۹۷ (۱۳ ژانویه ۲۰۱۹)

ساعت ۱۹ و ۳۰ دقیقه به وقت اروپائی مرکزی/ ساعت ۲۲ به وقت ایران

توجه: به زبان کردی این مباحث ارائه میگردد

دبیرخانه حزب سوسیالیست انقلابی ایران

iransocialist@gmail.com

۱۷ دی ۱۳۹۷

اخراج و بیکار سازی موقوف!